



مقاله پژوهشی

مطالعه نقوش حیوانی برگردنبند «وسخ» مصریان باستان از منظر اسطوره‌شناختی

مهديه مجتهدی فر^۱ | سپیده رضانی^۲ | مهتاب کبریایی^۳ | نفیسه زمانی^۴

۱- کارشناس / گروه هنر / دانشکده هنر / دانشگاه ملی مهارت تهران

۲- کارشناس / گروه هنر / دانشکده هنر / دانشگاه ملی مهارت تهران

۳- کارشناس / گروه هنر / دانشکده هنر / دانشگاه ملی مهارت تهران

۴- مربی / گروه هنر / دانشکده هنر / دانشگاه ملی مهارت تهران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۱۲/۱۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۵/۰۱/۲۶

صفحات: ۷۸ - ۹۳

چکیده

تمدن مصر یکی از تمدن‌های باستان است. در تمدن مصر ایزدان بسیاری وجود داشته است که هر یک جایگاهی داشته‌اند. نخستین مظاهر ایزدان مصری در هیبت حیوانات پدیدار می‌شد، و این مظاهر ایزدان بر هنرهای کاربردی مصر باستان از جمله زیورآلات تأثیرگذار بوده است. گردنبند وِسخ یکی از شاخص‌ترین زیورآلات در مصر باستان بود که هم نماد قدرت و مقام اجتماعی بود هم معنای آیینی و محافظتی داشت. وِسخ از دوران پادشاهی کهن رواج یافت و تا دوران متأخر ادامه داشت و در تندیس‌های فراغنه و کاعنان دیده می‌شد. وِسخ که با نام یقه‌پهن نیز شناخته می‌شود معمولاً از چند ردیف مهرهای رنگی یا فلزی ساخته می‌شد و در پشت گردن با قلاب یا سر حیوانات مقدس بسته می‌شد؛ این نقوش حیوانی نماد ایزدان مصری هستند. حال سوال این است «نقوش حیوانی بر وِسخ مصریان باستان تا چه میزان برگرفته از بینه‌شناسی اسطوره‌ای مصریان است؟» فرض بر آن است که مصریان تحت تأثیر نیروهای اساطیری حاکم بر بینه‌شناسی خویش از نقوش حیوانی بر روی وِسخ بهره‌برده‌اند. هدف از این پژوهش واکاوی تأثیر بینه‌شناسی اساطیری مصریان باستان بر هنرهای کاربردی همچون وِسخ آنان می‌باشد. این پژوهش در حوزه مذکور در مطالعات اسطوره‌شناسی، دین‌شناسی و نمادشناسی می‌باشد. نگارندگان با روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای اقدام به عمل آورده‌اند. نتایج تحقیق بر این نکته اشاره دارد که مصریان باستان براساس منزلت اسطوره‌های خویش، از نمادهای اساطیری در هنرهای کاربردی همچون وِسخ مصری بهره‌برده‌اند.

واژگان کلیدی: مصر باستان، زیورآلات، وِسخ، نقوش حیوانی، اساطیر، نماد

1- Mojtabedifarmahdieh@gmail.com

2- ramezanisepideh1@gmail.com

3- Mahtabkebriaei@gmail.com

4- Nafisehzamani1365@gmail.com



■ Research Article

A study of animal motifs on ancient Egyptian wesekh from a mythological perspective

Mahdieh Mojtabehi Far¹ | Sepideh Ramezani² | Mahtab Kebriaei³ | Nafiseh Zamani⁴

1- Expert / Art Department / Faculty of Art / National University of Skills, Tehran

2- Expert / Art Department / Faculty of Art / National University of Skills, Tehran

3- Expert / Art Department / Faculty of Art / National University of Skills, Tehran

4- Coach / Art Department / Faculty of Art / National University of Tehran

Receive Date: 2026/03/06

Accept Date: 2026/04/15

Pages: 78 - 93

Abstract

Egyptian civilization is one of the ancient civilizations. There were many gods in Egyptian civilization, each of which had a place. The first manifestations of Egyptian gods appeared in the form of animals, and these manifestations of gods influenced the applied arts of ancient Egypt, including ornaments. The wesekh necklace was one of the most prominent ornaments in ancient Egypt, which was both a symbol of power and social status and had a ritual and protective meaning. Wesekh became popular from the Old Kingdom period and continued until the late period, and was seen in statues of pharaohs and priests. Wesekh, also known as the wide collar, was usually made of several rows of colored or metal seals and was tied at the back of the neck with a hook or the head of sacred animals; these animal motifs are symbols of Egyptian gods. Now the question is, to what extent are the animal motifs on the wesekh of ancient Egyptians derived from the mythological vision of the Egyptians? It is assumed that the Egyptians, under the influence of the mythological forces that governed their vision, used animal motifs on the wesekh. The purpose of this research is to investigate the impact of the mythological vision of the ancient Egyptians on applied arts such as their engraving. This research is in the field of mythology, religion, and symbology studies. The authors have used a descriptive-analytical research method and collected information using a library method. The results of the research indicate that the ancient Egyptians, based on the status of their myths, used mythological symbols in applied arts such as Egyptian engraving.

Keywords: Ancient Egypt, Jewelry, Wesekh Collar, Animal Motifs, Mythology, Symbol



1- Mojtabehifarmahdieh@gmail.com

2- ramezanisepideh1@gmail.com

3- Mahtabkebriai@gmail.com

4- Nafisehzamani1365@gmail.com

مقدمه:

بررسی روند تغییرات ساختار گردن‌بند و سِخ از دوره پادشاهی قدیم تا میانه می‌پردازد که با تصاویری این روند را به تصویر کشیده است اما در پژوهش پیش رو نگارندگان علاوه بر ساختار گردن‌بند های و سِخ به تحلیل نقوش حیوانی و گیاهی نیز می‌پردازند. در بخش دوم منابع مرتبط با اساطیر و ادیان مصر باستان مورد بررسی قرار می‌گیرد. مقاله «تحلیلی بر مفاهیم نمادین رنگ‌ها و اشکال ایزدان رَع و حوروس در آثار هنری مصر تاگاهاتا» (غفوری، ۱۴۰۲) مقاله مذکور به بررسی جایگاه ایزدان در هنر مصر و مطالعه تطبیقی ظاهری ایزد رَع و حوروس در آثار هنری باقی‌مانده از نقاشی و نقش برجسته‌های مصری می‌پردازد. پژوهشگر مقاله یاد شده با توجه به عنوان، تنها به دوازده پرداخته است اما در پژوهش پیش رو ایزدان دیگر نیز مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در کتاب «تاریخ ادیان و مذاهب جهان» (مبلغی آبادی، ۱۳۷۶) مجموعه چند جلدی تاریخ ادیان و مذاهب جهان به بررسی تاریخ ادیان و مذاهب در نقاط مختلف جهان از جمله مصر باستان می‌پردازد، در ابتدا با گزیده‌ای از تاریخ و جغرافیای مصر باستان سخن را آغاز کرده و بعد به بررسی ادیان و خدایان مصری می‌پردازد اما در این کتاب به نماد های بصری ایزدان و تاثیر آنان بر هنر مصر از جمله زیورآلات پرداخته نشده است. کتاب «اساطیر مصر» (ions، ۱۳۷۵) این کتاب خدایان، الهه‌ها و باورهای مذهبی مصر باستان و تنوع قابل توجه خدایان مصر و داستان‌هایی که در مورد آن‌ها گفته شده است را بیان می‌کند. نگارنده کتاب یاد شده تنها به بخش تاریخی و جایگاه خدایان پرداخته و اشاره‌ای به مفاهیم بصری ایزدان در زیورآلات نداشته است.

۱. تمدن مصر باستان:

همه تمدن‌ها در دنیای باستان به دلیل دوره گذار (از شکار به کشاورزی) در کنار رود های بزرگ شکل گرفته‌اند و تمدن مصر هم در کنار نیل پدید آمده است. منظور از مصر باستان بخش حاصل خیز دره نیل است که حاصل خیزی آن از طغیان های سالانه نیل پدید می‌آید. نیل و زمین های حاصل خیز اطراف آن در مصر باستان عاملی برای وحدت بود. (غفوری، ۱۴۰۲: ۱۳۷) یکی از کهن ترین سرزمین های مسکونی جهان که آثار عصر حجر در آن فراوان دیده می‌شود، حدود ۶ هزار سال قبل از میلاد مهاجران آسیایی با خود گیاهان و حیوانات اهلی و اموال و روش های فنی عصر نوسنگی را وارد سرزمین مصر سفلی (در شمال) کرده‌اند. در مصر علیا (در جنوب) اندکی دیرتر یک نوع تمدن نوسنگی عقب مانده تری وجود آمد که تا اندازه ای شباهت با تمدن مصر سفلی داشت. اگرچه اجداد

تمدن مصر باستان یکی از کهن ترین و درخشان ترین تمدن های بشری؛ که ابعاد گوناگون زندگی آنان با اساطیر، دین و هنر در آمیخته شده است. در نواحی مختلف مصر، خدایان فراوانی با روش های ویژه ای پرستیده شدند، تعداد این خدایان به دو هزار معبود می‌رسید و نخستین مظاهر خدایان مصری در صورت حیوانات پدیدار می‌شد. (مبلغی آبادانی، ۱۳۷۶: ۴۲) باور به خدایان تاثیر مستقیم و عمیقی بر هنر مصر باستان داشت. بیشتر آثار هنری آن‌ها از نقاشی و مجسمه تا معماری بر پایه اعتقادات دینی، نمایش خدایان، فرعون‌ها و نماد های مقدس شکل گرفت. هنر مصر نه صرفاً برای تزئین بلکه ترکیبی از باورهای دینی، ابدیت گرایی و اعتقاد به دنیای بعد از مرگ است. در میان هنر های کاربردی مصر باستان زیورآلات جایگاه ویژه ای داشته‌اند زیرا در ساخت این زیورها از مظاهر خدایان بهره می‌بردند و افزون بر کارکرد زیبا شناختی، نقش محافظتی و آیینی نیز ایفا می‌کردند و باور بر این بود که صاحب خود را از شر نیروهای اهریمنی مصون می‌دارند. یکی از برجسته ترین زیورآلات یاد شده گردن‌بند و سِخ یا یقه ی عریض مصری در نقوش دیواری، مجسمه‌ها و مقابر فراعنه دیده می‌شود. بر روی برخی از این و سِخ ها نقوش جانوری نیز نمایان می‌باشد. حال سوال این است که «نقوش حیوانی بر و سِخ مصریان باستان تا چه میزان برگرفته از بینش اسطوره ای مصریان است؟» فرض بر آن است که مصریان تحت تاثیر نیروهای اساطیری حاکم بر بینش خویش از نقوش حیوانی بر روی و سِخ بهره برده‌اند. هدف از این پژوهش واکاوی تاثیر بینش اساطیری مصریان باستان بر هنر های کاربردی همچون و سِخ آنان می‌باشد. نگارندگان در راستای پژوهش خویش چهار نمونه گردن‌بند و سِخ با نقوش حیوانی و گیاهی متفاوت تفکیک و تحلیل کرده‌اند. ماهیت تحقیق توصیفی-تحلیلی و شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه ای می‌باشد.

پیشینه تحقیق:

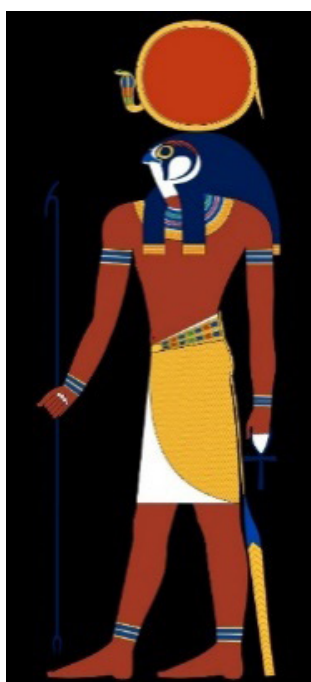
با توجه به محوریت موضوع دو دسته منابع وجود دارد: بخش اول منابع مرتبط با زیورآلات و نقوش حیوانی، بخش دوم منابع مربوط به ادیان و اساطیر مصر باستان که نگارندگان به هر دو دسته اشاره کرده‌اند؛ در بخش اول مقاله «اظهاراتی در مورد نام یقه و سِخ در پادشاهی قدیم» (mekawi، ۲۰۲۲) مقاله مذکور به بررسی دفعاتی که نام یقه و سِخ در دوران پادشاهی قدیم به کار برده شده می‌پردازد. اما در پژوهش پیش رو نگارندگان به اجزا، ساختار و تحلیل نماد های گردن‌بند و سِخ می‌پردازند. کتاب مصوری با عنوان «جواهرات مصری» (بی‌نا، ۱۹۴۰) به

بزرگداشت قرار می‌دادند و می‌پرستیدند نه به دلیل صفات حیوانی، زیرا به اعتقاد آنان ظهور صفات و ویژگی‌های خدایی در انسان یا در حیوانات امکان پذیر است، در نتیجه باید در هر دو ی آنان نمایان شود؛ بنابراین برای اسطوره‌ها و خدایان خود تن انسان و سر حیوانات و یا بالعکس طراحی می‌کردند، زیرا زمانی خدایان بیشتر جلوه گرمی‌شدن که ترکیبی از هردو باشند. (مبلغی آبادانی، ۱۳۷۶: ۴۲ و ۴۳) اساطیر مصر باتوجه به خواسته‌های خاندانی فرمانروای خود را تغییر می‌دادند، اسطوره‌های مصر دارای خصوصیات ویژه‌ای هستند که آن‌ها را از دیگر اسطوره‌های مصر متفاوت‌تر می‌کند و آن این بود که علاوه بر خدایانی به شکل حیوان به آیین و آداب مردگان و دنیای پسا مرگ ارزش و اهمیت می‌دادند. (غفوری، ۱۴۰۲: ۱۳۸) باتوجه به جامعه آماری پژوهش تنها چهار خدایی که در وبس‌خ‌های مصریان قابل رؤیت هستند مورد بررسی قرار

۳. خدایان مصر:

ایزد رَع:

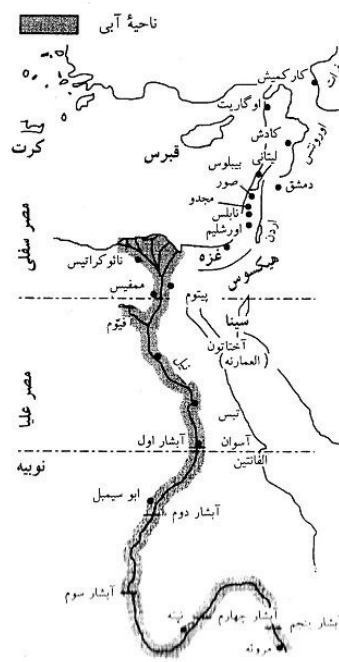
زع وازه ای برای خورشید و نامی برای ایزد خورشید است که به معنای آفریننده است. خدای خورشید مهم ترین خدای مصریان نام های بسیاری داشت؛ خورشید در اوج آسمان، رع نام داشت. وی را نخستین فرعون دانسته اند. (غفوری، ۱۴۰۲) معمول ترین تصویر رع مردی با سر شاهین است که دایره ای قرمز روی سرش قرار دارد؛ در اکثر تصاویر دوره دایره قرمز مارکبری پیچیده شده که آن را سمبل قدرت می دانند. رنگ



پوست معمولاً به یکی از این دو رنگ است: رنگ قرمز : نشانه رنگ خورشید و سمبل قدرت و پیروزی. رنگ آبی : نشانه آسمان و جایگاه رع و سمبل ملکوتی و ماورائی بودن. (فروغی و جواد، ۱۳۹۶: ۶۷) (تصویر ۲)

(تصویر ۲) (ایزد رَع)
(URL۲)

مصریان سفلی و علیا از آسیای جنوب غربی آمده بودند، ولی به احتمال قوی آن‌هایی که در دلتای رود نیل سکنی داشتند، از سرزمین سینا عبور کرده و آن دسته که در مصر علیا مقیم شدند، از طریق دریای سرخ و مناطق آفریقای شرقی خود را به آنجا رسانده بودند. (مبلغی آبادانی، ۱۳۷۶: ۴۲) (تصویر ۱)



(URL) (تصویر ۱) (نقشه جغرافیایی مصر باستان)

«آغاز دوران تاریخ مصر باستان را از ۳۲۰۰ سال پیش از میلاد یعنی زمانی که نامر اتحاد مصر سفلی و علیا را برقرار ساخت معین کرد. از آن هنگام یازده سلسله نخستین پادشاهان مصر دوره ای به نام «پادشاهی کهن» که از ۳۲۰۰ تا ۲۱۳۰ پیش از میلاد به وجود می آوردند. سپس «پادشاهی میانی» که از ۲۲۰۴ تا ۱۵۶۷ پیش از میلاد دوام میابد و از ۱۵۶۷ تا ۱۰۸۵ پیش از میلاد سلسله «پادشاهی جدید» و از ۱۰۸۵ تا ۳۳۲ پیش از میلاد که مصر به تسخیر اسکندر مقدونی در می آید، سلسله «پادشاهی متأخر» در تاریخ ثبت شده است.» (گشایش، ۱۴۰: ۲۱)

٢. اساطير مصر:

در منطقه های مختلف مصر قدیم هر شهری که به قدرت دست پیدا می کرد خدایان و اسطوره های خاص خود را بین مردم رواج می داد. آغازیان خدایان مصری به شکل و شمایل حیوانات نمایان می شد تعداد وجود این خدایان نزدیک به دو هزار معبود می رسد. رع، اوزیریس، آنوبیس، خنوم و هورس نمونه های کوچکی از این خدایان هستند، گویا این پرندگان و جانوران را به سبب نیر وهای انسان یا فرا انسانی مورد اکرام و

ایزد حوروس

حوروس برگرفته از واژه لاتین هور (Hor) به مفهوم سیما، چهره و عنوانی که اولین مهاجمان دره نیل و ستایش کنندگان شاهین خدای خویش را به این اسم مورد خطاب قرار می دادند و به این نام می شناختند. همانطور که گفته شده است حوروس یکی از حیاتی ترین خدایان مصری و همچنین آفریدگار آسمان و نمادی از فرمانروایی ربانی است. تنها ایزدی که از ابتدا با مردمان شکارچی و یا خدای جنگ ارتباط داشته و با باروری و آفرینش تعلق و پیوستگی نداشت حورس بود که با نماد شاهین تجسم می شد. علت پیوستگی شاهین با ایزد حوروس را می توان به این ربط داد که این اسطوره به عنوان محافظ، نگهبان و پشتیبان به شمار می رفته و خود را رب آسمان و جنگاوری می دانست. او با ایزد خورشید رع پیوند دارد و گاهی با او یکی دانسته می شود. در اساطیر او فرزند اوریزیس و ایزیس است که برای انتقام پدرش جنگید و پس از پیروزی تاج و تخت مصر به او ارث رسید. چشم حوروس نمادی مقدس به عنوان دعا و چشم زخمی برای محافظت و دوری از شر و شیطاين بود. حوروس در مقام ایزد سلطنتی و ملی جایگاه بسیار مهمی دانست و پرستشگاه اصلی اش در ادفوق قرار داشت. در هنر مصر او معمولاً به شکل شاهین با مردی یا سرشاهین به تصویر کشیده می شد و نامش به معنای شخص بسیار والا است. (غفوری، ۱۴۰۲: ۱۳۹-۱۳۸) از منظر مصریان باستان شاهین سمبل حیات جاودانه است. یکی از کهن ترین خدایان با تمثیل حیوان، حوروس خدای مصری به

شکل شاهین است که همچنین می توان پیوستگی آن را به خدای خورشید دید. گاهی رع با حوروس یکی انگاشته می شد و سرشاهین همراه با قرص خورشید دیده می شد. هرگاه خدای مصری به صورت انسانی و سرشاهین برسر دارد نشانه فرمانروایی بر سرزمین های مختلف می باشد. (غفوری، ۱۴۰۲:

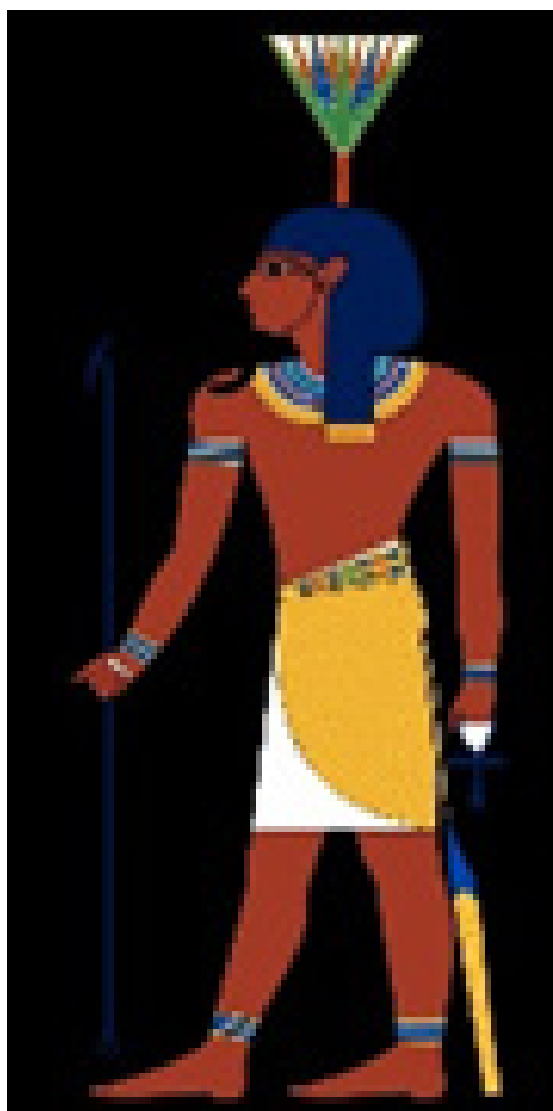
(تصویر ۳)

(تصویر ۳)

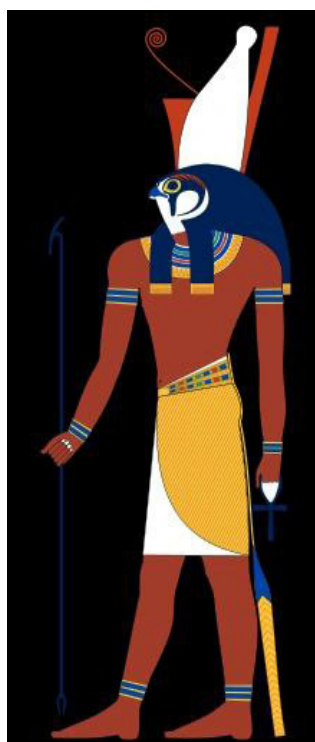
(حوروس) (URL۳)

ایزد نفرتوم

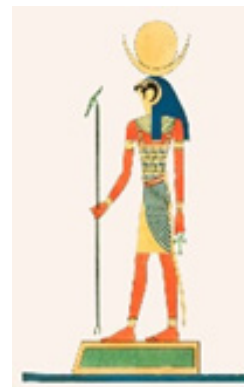
نفرتوم از خدایان کهن مصر سفلی است؛ و وی را در تثلیث ممفیس از روزگار باستان پسر بتاح و سخمت می پنداشتند. نفرتوم به معنی نیلوفر آبی و در اسطوره های آفرینش از نقش خاصی بر خوردار بود؛ پس از زاده شدن نفرتوم از نیلوفر آبی، از اشک او بود که انسان پدید آمد. نیلوفر آبی در مصر باستان نشانه پیدایش جهان، پاکی و رایحه خوش است بنابراین نفرتوم را سرور بوی خوش و خدای عطرها نیز می نامیدند. نفرتوم را معمولاً به هیبت مردی جوان با تاج نیلوفر آبی و گاه به شکل مردی با سر شیر و با دستاری از نیلوفر آبی ترسیم می کرده اند. (ایونس، ۱۳۷۵: ۱۶۵) (تصویر ۴)



(تصویر ۴) (ایزد نفرتوم) (URL۴)



ایزد خنس :



ایزد خنس یا خنس‌سواز مهم‌ترین خدایان ماه در مصر باستان است. روایت است که خنس را فرزند آمون می‌خوانده‌اند و موت و وی سومین عضو سه گانه مقدس تبس به شمار می‌رفت. او خدایی بود که چرخه ماه را هدایت می‌کرد و با نور آرامی که شب‌ها بر زمین می‌تاباند، نماد حفاظت و آرامش شبانه به شمار می‌رفت، از سوی دیگر او را خدای حقیقت، پدیدآورنده سرنوشت و خدای تفال و به سبب تسلط بر ارواح خبیث و اهریمنی، باطل‌کننده جادو می‌دانستند. خنس همانند والدین خود خاستگاه باروری و پدیدآورنده زندگی بود؛ و در تصاویر به هیبت مرد جوان مومیایی‌شده‌ای که موی سر او جز در قسمت حاشیه سر تراشیده بود و هلال ماه نماد شخصیت وی بود. خنس را در بعضی تصاویر به هیبت مردی با سرشاهین ترسیم کرده‌اند. (ایونس، ۱۳۷۵: ۱۵۷) (تصویر ۵)

(تصویر ۵) (ایزد خنس) (URL۵)

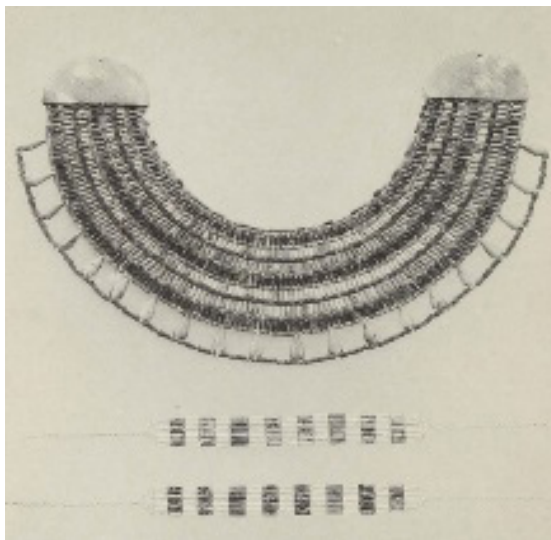
در ادامه بر اساس مطالب ذکر شده جدولی مبنی بر نشان‌ها و نمادهای خدایان مصر ارائه می‌شود.

تصویر	نماد بصری	مرتبه خدا	نام خدایان
	مردی با سرشاهین	خدای خورشید	رع
	مردی با سر شاهین	آفریدگار آسمان	حوروس
	مردی با تاج نیلوفر آبی	ایزد نیلوفر آبی	نفرتوم
	مردی با سر شاهین	خدای ماه	خنس

(جدول ۱) نمادهای بصری خدایان مصر (نگارندگان، ۱۴۰۴)

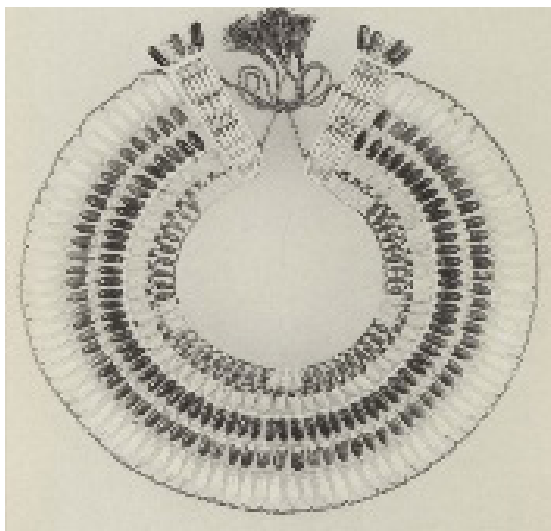
باتوجه (جدول ۱) این جدول با هدف بررسی نمادهای بصری خدایان تنظیم شده است. از نظر ظاهری هر چهار خدا در این جدول با بدن انسان تصویر شده‌اند. در رع، حوروس و خنس، همگی با سرشاهین نمایش داده می‌شوند و در مقابل نفرتوم به جای سرشاهین با تاج نیلوفر آبی شناخته می‌شود. در رع بالای سرشاهین یک خورشید و ماری که دور آن پیچیده دیده می‌شود. در ایزد حوروس روی سرشاهین یک خورشید و ماری که دور آن پیچیده دیده می‌شود و در ایزد حوروس روی سرشاهین تاجی سفید خمره‌ای شکل به همراه مثلثی آجری رنگ در سمت چپ و مستطیلی بلند در سمت راست تاج و تزئیناتی دیگر دیده می‌شود. در خنس بالای سرشاهین یک دایره خورشید کامل که در میان هلالی روبه بالا جای گرفته، هلال همچون دو بازوی منحنی، قرص خورشید را در آغوش گرفته است؛ تاج بدون تزئینات اضافی است، نه شلوغ و نه پر از جزئیات و تمرکز را روی نماد خورشید

کمی از این اشیای باقی مانده است، اما این گونه زیورآلات در تجهیزات تدفینی پادشاهی دیانه (۲۰۵۰ تا ۱۷۸۸ پیش از میلاد) حفظ شده است. مهم ترین این زیورهای باقی مانده، یقه پهن و دستبند و پابند هایی بودند که از نوارهای مهره های لوله ای شکل ساخته می شدند. (بی نا، ۱۹۴۰: ۶) (تصویر ۷)



(تصویر ۷) یقه پهن از فایانس و پابندهایی از فایانس و عقیق (بی نا، ۱۹۴۰: ۱۰)

جواهرسازان سلسله هجدهم خود را به طلا و سنگ های قیمتی به عنوان مصالح محدود نمی کردند. برای مثال، یقه های پهن از صدها عنصر سفالی با رنگ های مختلف ساخته می شدند. (تصویر ۸)



(تصویر ۸) یقه پهن سفالی اواخر سلسله هجدهم (بی نا، ۱۹۴۰: ۲۲)

و فرم شاهین باقی نگه می دارد. در ایزد نفرتوم سر به شکل انسانی و در نمای نیم رخ ترسیم شده است، تاج به صورت عمودی و کاملاً مرکزی روی سر قرار گرفته عنصر اصلی تاج نیلوفر آبی است که با ساقه ای باریک از بالای سر می روید؛ گل نیلوفر به شکل باز شده طراحی شده، گلبرگ ها کشیده، نوک تیز و متقارن اند و با رنگ های سبز، آبی و نارنجی تزئین شده اند؛ فرم تاج عمودی و رو به بالا است و این کشیدگی عمودی نگاه را از سر به سمت بالا هدایت می کند. در میان هنرهای کاربردی مصری زیورآلات جایگاه ویژه ای دارند که بخشی از پوشاک مصریان باستان را تشکیل می دهند.

۴. زیورآلات مصر باستان:

زیونت شخصی، جهانی است و این رسم نه تنها در مراحل پیشرفته تمدن ها بلکه در ابتدایی ترین مراحل نیز وجود داشته است. زیورآلات اولین چیزهایی هستند که با خروج انسان از وضعیت طبیعی پوشیده می شدند و باوری مبنی بر این داشتند که وسیله ای جادویی برای دفع شر هستند. در مصر، جواهراتی را در گورهای یکی از قدیمی ترین فرهنگ ها یعنی بداریان، که قدمت آن به ۴۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح بر می گردد، مشاهده شده است و همانطور که انتظار می رود جواهرات ساده و تقریباً خام هستند و عمدتاً از صدف های کوچکی که به شکل مهره سوراخ شده اند و با طنابی به هم بسته شده اند صدف های بزرگ تر با چند مهره از سنگ های رنگی به هم متصل می شدند. (بی نا، ۱۹۴۰: ۵) (تصویر ۶)

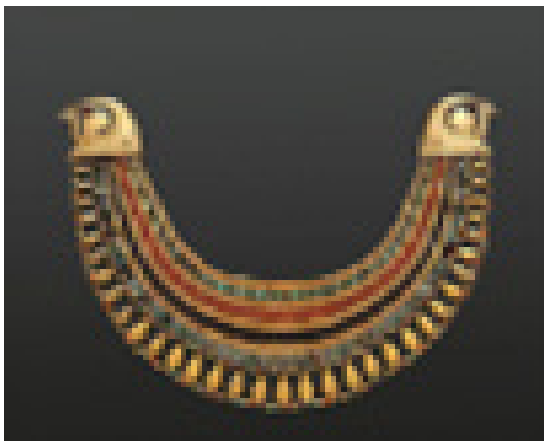


(تصویر ۶) رشته هایی از مهره های صدفی و سنگی دوره باداریان (بی نا، ۱۹۴۰: ۹)

در دوران پادشاهی قدیم (۲۸۰۰-۲۲۷۰ میلادی) از مهره های سنگ های نیمه قیمتی و فایانس بسیار رایج بود. این موضوع را می توان از تصاویری که در مقابر دیده می شود، دریافت. مقدار



(تصویر شماره ۹) (وسخ شماره ۱) (URL۶)



(تصویر شماره ۱۰) (وسخ شماره ۲) (URL۷)



(تصویر شماره ۱۱) (وسخ شماره ۳) (URL۸)

در میان هنرهای کاربردی مصرِ وسخ‌ها جایگاه ویژه‌ای دارند که بخشی از پوشاک مصریان باستان را تشکیل می‌دهند.

۵. وسخ (wesekh)

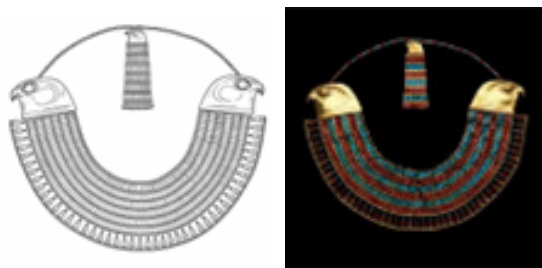
یقه پهن یا وسخ، یکی از پررنگ‌ترین و پراهمیت‌ترین جواهرات مصری بود که خدایان از آن استفاده می‌کردند و علاوه بر آن روی مومیایی‌ها جهت محافظت و مراقبت جادویی و هم‌قرار می‌گرفت. تقریباً هر مقام رسمی و مهمی در سلسله پنجم با این یقه پهن نشان داده شده است. یقه پهن در سلسله ششم برای نخستین بار در بین هدایای مراسم تشییع جنازه نشان داده شده است. این گردنبند پهن طوقی شکل از طلا، نقره، سفال و سنگ‌های قیمتی و نیمه قیمتی خلق می‌شدند. تزئینات آن شامل سفال‌های رنگی یا مهره‌های سنگی درج وردیف‌هایی بین انتهای نیم دایره یا سرشاهی‌ها بود. پایین‌ترین رج دارای آویزهایی به شکل حشرات، گل‌ها، برگ‌ها، گلبرگ‌ها یا اشک است. در برخی از آثار و کتیبه‌های به جا مانده وسخ را با مشخصه‌هایی مانند بند‌های اتصال، پنج ردیف مهره دیده می‌شود، از کنار هم قرار گرفتن آن‌ها نیم دایره شکل می‌گیرد، همچنین موادی که برای ساخت و خلق یقه استفاده شده است مانند مالکیت و لاجورد را بیان می‌کند و در نهایت کتیبه توضیح می‌دهد که یقه وسخ دور گردن بسته می‌شود. (مکاوی عوده، ۲۰۲۲: ۴) در بالای کتیبه هیروگلیف چنین چیزی نوشته شده است: گردنبند‌های وسخ از طلا، پیشکشی بوده است از جانب پادشاه به کسانی مانند رئیس دادگستری که مورد احترام بودند. (مکاوی عوده، ۲۰۲۲: ۵) صنایع نشان می‌دهد که طوق‌های پهن که انتهای آن سرشاهین دیده می‌شود به عنوان اشیای گران بها قیمتی و عادی از طلا خلق می‌شد. مراسمات و هدایای اشرافی مورد استفاده قرار می‌گرفت. همچنین نمایان گر ثروت می‌باشد. (مکاوی عوده، ۲۰۲۲: ۶ و ۷)

۶. جامعه آماری:

با توجه به جامعه آماری پژوهش و تعدد در انواع گردنبند‌های وسخ تنها چهار مورد گردنبند وسخ با نقوش جانوری و گیاهی متفاوت مورد بررسی قرار می‌گیرد. (تصویر ۹) الی (تصویر ۱۲)

به گردنبند متصل است. یک آویز در مرکز نوار باریک پشتی گردنبند قرار دارد از بالای گردن درست در پشت گردن عمودی به سمت پایین آویز می‌شود. شکل‌های آن کشیده، مستطیل عمودی و تقریباً به شکل یک نوار باریک آویزان است. از بالا باریک‌تر است و هرچه به سمت پایین می‌رود کمی پهن‌تر و آزادتر دیده می‌شود. در هفت ردیف مهره‌ها کاملاً منظم و هم اندازه می‌باشد تعداد مهره‌ها در ردیف‌های پایینی به مراتب از ردیف بالایی بیشتر می‌شود. همانند گردنبند سه ردیف مهره‌های فیروزه‌ای و سه ردیف مهره‌های آخری رنگ دیده می‌شود که در طرفین هر کدام از ردیف‌ها توسط مهره‌های طلایی رنگ کوچک قرمز رنگ سرشاهین با ابعاد کوچک‌تر دیده می‌شود که یک قطعه طلایی دارد که نقش حلقه یا اتصال دهنده را بازی می‌کند. (تصویر ۹)

(تصویر ۹) (گردنبند و سبخ شماره ۱)



وسخ شماره ۲: این گردنبند پهن روی قسمت بالای سینه و شانه‌ها قرار می‌گیرد و کاملاً روی گردن می‌خوابد و تا بالای سینه و گاهی وسط قفسه سینه را می‌پوشاند و مثل یک یقه نیم دایره تا پشت سر ادامه داشته و با بندی از پشت بسته می‌شده است. دوسر انتهای گردنبند به سرشاهین طلایی ختم شد. چشم‌های شاهین با سنگ تیره کار شده و حالتی زنده و براق دارد. استفاده از سرشاهین‌ها در گردنبند نماد حوروس خدای آسمان و پادشاهی بوده. جنس آن احتمالاً طلا یا روکش طلا می‌باشد. سرشاهین دارای منقار تیز و برجسته است، خطوط دور چشم و گونه‌ها با فرم دقیق حکاکی شده این دوسر نقش قفل و پایان گردنبند را دارند، گردنبند از یازده ردیف مهره‌ای که کنار هم به طور منظم چیده شده‌اند ساخته شده است. در ردیف‌های بالایی مهره‌های استوانه‌ای قرار دارد و در ردیف یکی مانده به آخر مهره‌های قطره‌ای و اشکی نمایان می‌باید. در دو طرف بالایی و پایینی ردیف آخر مهره‌هایی افقی شکل و کوچک دیده می‌شود. این مهره‌ها کاملاً مرتب و فشرده در کنار هم قرار گرفته‌اند و شامل چهار رنگ طلایی، لاجوردی، قرمز آجری، سبز و مشکی می‌باشد این ترکیب رنگ ماهرانه دقیقاً رنگ‌های نمادین مصر باستان است.



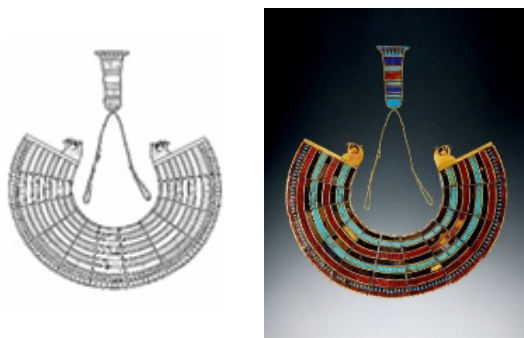
(تصویر شماره ۱۳) (وسخ شماره ۴) (URL ۹)

۷. توصیف:

وسخ شماره ۱: گردنبند مذکور یک نیم دایره بسیار پهن است که روی شانه‌ها قرار می‌گیرد و کاملاً در ناحیه گردن می‌خوابد و تا بالای سینه و حوالی قفسه سینه ادامه می‌یابد. دوسر انتهای گردنبند به سه شاهین طلایی ختم شده است. سرشاهین از سطحی صیقلی یکدست و براق می‌باشد. سرها کاملاً برجسته و سه بعدی ساخته شده‌اند و زاویه قرار گیری هر سر به سمت بیرون است. برجستگی بالای چشم و گونه‌ها با فرم دقیق حکاکی شده است. برآمدگی منقار تیز، و کاملاً مشهود می‌باشد. چشم‌ها با دقت تراش خورده‌اند؛ به طوری که یک دایره توپر مرکزی و برجسته‌تری نسبت به اجزای دیگر صورت دارند. جنس تمام اجزای سرشاهین از یک متریال استفاده شده است. این سرها حکم قفل یا سر اتصال گردنبند را دارند و شروع ردیف‌های مهره‌ای از زیر همین سرها می‌باشد. بدنه گردنبند یک صفحه‌ای قوی مانند پهن است که از هفت ردیف مهره‌های کوتاه منظم و رنگی ساخته شد. کوتاه‌ترین و کم پهن‌ترین بخش در ردیف بالا است و هرچه پایین‌تر می‌رود ردیف‌ها پهن‌تر و بلندتر می‌شوند. سه ردیف مهره‌های فیروزه‌ای و سه ردیف مهره‌های آجری رنگ دیده می‌شود که به صورت ردیف‌هایی یکی در میان کنار هم چیده شده‌اند در طرفین هر ردیف مهره‌های طلایی رنگ بسیار کوچکی دیده می‌شود که مانند یک قاب هر ردیف را از هم جدا کرده است. مهره‌ها در همه ردیف‌ها به یک اندازه و ابعاد می‌باشند. با این تفاوت که ردیف‌ها هرچه به سمت پایین می‌رود تعداد مهره‌های آن بیشتر می‌شود تا حالتی اشک مانند دیده می‌شود که از سه بخش با رنگ‌های فیروزه‌ای، آجری و طلایی تشکیل شده است. در طرفین آخرین ردیف این گردنبند مرزبندی طلایی بسیار نازکی دیده می‌شود این طلا دور تا دور ردیف آخر را قاب می‌گیرد تا شکل اشک گونه واضح‌تر باشد. لازم به ذکر است که این ردیف مانند ردیف‌های دیگر، منتهی به سرشاهین نمی‌شود، و به صورت آویزان

منظم تکرار شده‌اند در آخرین ردیف این گردنبند مستطیلی عریض و بزرگ‌تر از ردیف‌های بالایی با این تفاوت که مهره‌ای ندارد و از جنس شیشه یا سنگ قهوه‌ای رنگ می‌باشد و روی آن دایره‌هایی مرکز رنگ که روی آن مثلث‌های فیروزه‌ای رنگ می‌باشد دیده می‌شود. تعداد این دایره‌ها و مثلث‌های سوار بر آن در ردیف‌های آخر بین نه تا یازده عدد می‌باشد. (تصویر ۱۱)

(تصویر ۱۱) (گردنبند وسخ شماره ۳)



وسخ شماره ۴: این گردنبند یک یقه بهن نیم دایره شکل می‌باشد. بخش بالایی قفسه سینه را می‌پوشاند و روی لباس یا بدن قرار می‌گیرد معمولاً با قلابی از پشت گردن بسته و یا محکم می‌شود این گردنبند از پنج ردیف مهره رنگی تشکیل شده است که هر ردیف با رنگ و فرم خاصی از دیگری تمایز یافته است در دو سر انتهای گردنبند قطعاتی مثلثی شکل دیده می‌شود که به شکل نیلوفر آبی گشوده، طراحی شده است. سازه گل نیلوفر برای اتصال و نگه داشتن وزن مهره‌ها بوده و همان‌طور که دیده می‌شود در انتهای مثلث‌های روی به بالا، دایره مرکزی و هسته گل را مشاهده می‌کنیم که زرد رنگ می‌باشد سپس سه برگ بزرگ سبز رنگ مثلثی به هسته گل متصل شده‌اند و از فضای خالی بین آن سه برگ، دو برگ مثلثی آبی رنگ متوسطی طراحی شده است همچنین در ادامه از فضای خالی بین آن پنج برگ، چهار برگ مثلثی زرد رنگ کوچکی طراحی شده است. در ادامه به مرکز گردنبند و ساختار تشکیل دهنده آن یعنی مهره‌ها می‌پردازیم در اولین ردیف این گردنبند که نزدیک ترین بخش به گردن است؛ مهره‌های آن برگ‌های شکل و نسبت به ردیف‌های آخر کوتاه‌تر است الگوی رنگی در این ردیف سه تا آبی، یک قرمز می‌باشد و شش بار این الگو تکرار شده است، به جز ابتدا و انتهای ردیف که الگوی رنگی کمی تغییر کرده است. در ردیف دوم مهره‌های برگ‌های شکل که اندازه آن کمی بلندتر شده است دیده می‌شود مهره‌ها در این ردیف سبز و زرد رنگ می‌باشند. تعداد مهره‌های زرد رنگ در الگوی رنگی ثابت است و از دو عدد کمتر و بیشتر نمی‌شود اما مهره‌های سبز رنگ از یک عدد شروع

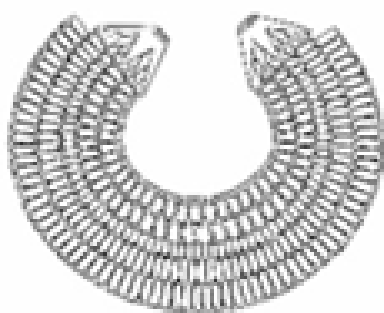
مهره‌هایی در ردیف بالا باریک تر و در ردیف‌های پایینی پهن تر می‌شود تا روی سینه به شکل چندگونه دیده شوند. این گردنبند‌ها از جنس طلا، فیروزه، سنگ‌های عقیق و لاجورد ساخته شده است. طراحی دقیق و محکم آن باعث شده حتی هنگام راه رفتن یا رقص آیینی تکان نخورد و منظم بماند همچنین وزن آن روی شانه‌ها می‌باشد نه روی گردن. (تصویر ۱۰)

(تصویر ۱۰) (گردنبند وسخ شماره ۲)



وسخ شماره ۳: گردنبند مذکور یک یقه نیم دایره ای بسیار پهن است که تخت نیست و کمی قوس دار و حجم دار است در قسمت بالای سینه قرار می‌گیرد و روی ترقوه و شانه‌ها پهن می‌شود و به سمت پشت ادامه دارد البته در قسمت پشت کوتاه تر و باریک تر می‌شود و پشت گردن را کامل نمی‌پوشاند در ناحیه ای توسط دو رشته نخ تابیده شده طلایی بسته می‌شود. جنس نخ مذکور احتمالاً کتان یا الیاف طبیعی با پوشش طلایی می‌باشد. قوس گردنبند خیلی دقیق هم مرکز و متقارن ساخته شده است. دو سر انتهای گردنبند به سر شاهین زرد طلایی ختم می‌شود، چشم‌های آن با سنگ تیره کار شده و حالتی زنده و براق دارد، خطوط دور چشم و گونه‌ها دقیق حکاکی شده و منقار تیز و برجسته‌ای دارد. بالای سر شاهین حلقه کوچکی برای اتصال بند پشت گردن وجود دارد. سر قاب کاملاً عرض گردنبند را در بر نمی‌گیرد و فقط یک سوم آن را پوشش می‌دهد و دو سوم دیگر توسط نوار مستطیل تشکیل شده و روی آن سر شاهین سوار است. این گردنبند از کنار هم قرار گرفتن یازده قطعه که هر قطعه دارای ن ردیف مهره‌های استوانه‌ای شکل می‌باشد تشکیل شده است. در ردیف‌های بالایی مهره‌ها کوچک‌تر، صاف‌تر، منظم‌تر و کم‌ترین مهره را نسبت به ردیف‌های بعدی دارد. در ردیف‌های میانی و سپس ردیف‌های پایینی تعداد مهره‌ها بیشتر و بزرگ‌تر می‌شود. تا حالتی نیم دایره به خود بگیرد. هر ردیف مهره‌ها توسط قاب‌هایی از طلا محصور شده، طلا نقش شبکه دارد و تمام قطعات را از هم جدا و منظم می‌کند خطوط طلایی کاملاً ظریف، موازی و یک اندازه‌اند. اندازه قاب‌ها کوچک هستند اما بسیار دقیق برش خورده‌اند. رنگ مهره‌ها شامل آبی فیروزه‌ای، که درخشان‌ترین رنگ گردنبند می‌باشد، لاجوردی تیره، زرشکی گرم، طلایی، مشکی و قهوه‌ای می‌باشد و کاملاً

و تا سه عدد ادامه می‌یابد یعنی اگر ما مرکز ردیف دوم را در نظر بگیریم این الگوی رنگی را مشاهده می‌کنیم: یکی سبز دوتا زرد، دوتا سبز دوتا زرد، سه تا سبز دوتا زرد. می‌بینید که تعداد مهره‌های زرد ثابت و مهره‌های سبز متغیر می‌باشد و تا انتها با آخرین الگو تکرار می‌شود این دور ردیف پر انرژی‌ترین بخش گردنبند است مثل پرچم‌های گل نیلوفر که رنگ‌های متنوعی دارد در ردیف سوم مهره‌های تک رنگ آبی کبود دیده می‌شود که بیضی شکل کوچک با سطحی صاف و براق هستند و آرام و یکدست می‌باشند ردیف چهارم مهره‌های سبز زیتونی دیده می‌شود که فرم برگی شکل باریک متوسطی دارد تعداد مهره‌ها بیشتر از مهره‌های ردیف قبلی می‌باشد همچنین منظم‌تر و یک شکل‌تر کنار هم چیده شده‌اند در ردیف آخر مهره‌های گلبرگی شکل سفید رنگی دیده می‌شود که به گردنبند آویزان شده است و انتها و ابتدای آن به سر گردنبند متصل نیست ابعاد آن بزرگتر، بلندتر، کشیده‌تر از تمامی مهره‌ها می‌باشد فرم آن به قطره یا دانه‌های اشک می‌باشد.



(تصویر ۱۲) (گردنبند وسخ شماره ۴)

(جدول ۲) ساختار وسخ‌ها (نگارندگان، ۱۴۰۴)

ردیف	آویز قفل	تمثیل ابتدا و انتهای	تعداد ردیف	ساختار وسخ	عکس
۱	دارد	سر شاهین تمام طلایی	نه	منحنی طوق مانند	
۲	ندارد	سر شاهین	یازده	منحنی طوق مانند	
۳	دارد	سر شاهین کوچک	نه	منحنی طوق مانند	
۴	ندارد	نیلوفر آبی	هفت	منحنی طوق مانند	

جدول شماره ۲: در بررسی وسخ‌ها چهار نوع اصلی با ویژگی‌های متفاوت شناسایی شده‌اند. نوع اول گردنبندی با ساختار منحنی طوق مانند و نه ردیف است که در ابتدا و انتهای آن سر شاهین تمام طلایی وجود دارد. همچنین آویز قفل دارد. در نوع دوم نیز ساختار منحنی طوق مانند دیده می‌شود اما با یازده ردیف؛ حجیم‌تر و پرشکوه‌تر جلوه می‌کند در ابتدا و انتهای آن نماد شاهین دیده می‌شود اما بدون رنگ تمام طلایی. در نوع سوم مشابه نوع اول از نظر تعداد ردیف نه ردیف است؛ اما با سر شاهین کوچک‌تر که ظرافت بیشتری دارد و همچنین آویز قفل دارد. در نهایت نوع چهارم با ساختار منحنی طوق مانند و هفت ردیف که سبک‌ترین مدل این مجموعه است؛ در ابتدا و انتهای آن نیلوفر آبی قرار دارد و قفل و آویز ندارد.

(جدول شماره ۳) (تجزیه و سبک‌ها) (نگارندگان، ۱۴۰۴)

ردیف	فرم مثلث	فرم دایره	فرم مستطیل	فرم اشک	فرم گلبزرگ	طرح خطی
۱	-	-	+	+	-	
۲	-	-	+	+	-	
۳	+	+	+	-	-	
۴	+	-	-	+	+	

جدول شماره ۳: در این جدول هر ردیف ترکیبی از فرم‌های هندسی و نمادین را نشان می‌دهد؛ ردیف اول و دوم؛ فرم‌های مستطیل و اشک؛ در ردیف سوم مثلث، دایره و مستطیل؛ و در نهایت فرم مستطیل و اشک در اکثریت دیده می‌شود و بیشترین کاربرد را در ساختار گردنبند تشکیل داده است.

۸. تحلیل:

تمدن مصر یکی از کهن‌ترین تمدن‌های باستانی که ابعاد زندگی آنان با دین و اساطیر در آمیخته شده است. در میان هنرهای کاربردی زیورآلات مخصوصاً گردنبندها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند زیرا علاوه بر جنبه زیبایی نقش محافظتی نیز ایفا می‌کردند در میان زیورآلات گردنبند‌های وسبک در شکل و ساختارهای متفاوت و با نقوش حیوانی و گیاهی گوناگون دیده می‌شود که در این پژوهش به بررسی و توصیف ۴ نمونه پرداخته شد

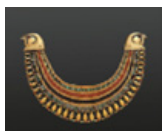
گردنبند وسبک شماره ۱: فرم نیم دایره گردنبند نماد خورشید، چرخه حیات و نظم کیهانی می‌باشد، سرهای شاهین به ایزد حوروس اشاره دارد؛ حوروس در اساطیر مصر باستان خدای آسمان و قدرت سلطنتی و نقش حفاظتی دارد؛ قرار گرفتن شاهین‌ها در دوسوی گردنبند نشان می‌دهد حوروس نگهبان نظم کیهانی است. رنگ طلایی در مصر باستان به معنای همراه داشتن انرژی جسم خدایان بود؛ زیرا بدن خدایان را از طلا می‌ساختند. رنگ آبی نمادی از آب‌های نیل و آسمان و رنگ قرمز قدرت و انرژی فعال زندگی را نشان می‌دهد. قرار گرفتن این وسبک روی سینه و قلب به منزله حفاظت از نیروی حیات انسان و پیوند او با نظم کیهانی تلقی می‌شود. گردنبند مذکور بیانگر این است که پادشاه در مرکز نظم کیهانی قرار دارد که از خورشید و انرژی می‌گیرد، از نیل حیات می‌یابد و تحت حفاظت قدرت الهی حوروس به تداوم و جاودانگی می‌رسد، از این رو گردنبند نه صرفاً زیور بلکه ابزاری نمادین برای تثبیت هماهنگی میان آسمان، زمین و انسان است.

گردنبند وسبک شماره ۲: فرم نیم دایره منحنی گردنبند چرخه زندگی و حرکت بی پایان هستی و پرتو خورشید را نشان می‌دهد، سرهای شاهین در ابتدا و انتهای گردنبند نمادی از ایزدان مصری مانند رع و حوروس می‌باشد. ردیف‌های منظم مهره‌ها با رنگ‌های نمادین طلایی (در برداشتن انرژی جسم خدایان) قرمز (قدرت)، سبز (حیات و تازگی) و سیاه (زندگی مجدد) بیانگر هماهنگی میان عناصر طبیعت، قدرت، حیات و جاودانگی هستند. آویزهای قطره‌ای شکل در لبه پایینی به باروری، آب‌های نیل اشاره دارند. این گردنبند نمادی یکپارچه از چرخه زندگی و تداوم حیات است که در ذیل نیروی حفاظت الهی حوروس قرار دارد؛ نیرویی که هم‌آغاز و هم‌پایان مسیر زندگی را زیر نظر دارد و تعادل را حفظ می‌کند. در مجموع این زیور نه فقط جنبه زیبایی بلکه بیانگر پیوند انسان با حیات، قدرت الهی و استمرار هستی است.

گردنبند وسخ شماره ۳: فرم نیم دایره گردنبند با ردیف های منظم تکرار شونده نماد چرخه و تداوم زندگی است. سرهای شاهین در دوسوی آن حضور حوروس به عنوان نگهبان قدرت و حفاظت الهی را نشان می‌دهد. تکرار منظم رنگ ها و قطعات هماهنگی جهان و پیوند آسمان و زمین را تداعی می‌کند. آویز عمودی قفل که به شکل یک گل باریک و کشیده است شباهت زیادی به نیلوفرآبی دارد؛ نیلوفرآبی نماد آفرینش جهان و پاکی و زیبایی است. ب طور کلی این گردنبند نمادی از چرخه زندگی، هماهنگی هستی و همچنین نیروهای الهی از اصال... گردنبند حفاظت می‌کنند.

گردنبند وسخ شماره ۴: فرم هلالی و نیم دایره گردنبند به پرتوهای خورشید و حرکت دائمی هستی اشاره دارد، غلبه رنگ سبز نماد رشد، تازگی و نیروی طبیعت است، آبی به آب های نیل و زرد و سفید هم نشانه نور، پاکی هستند. تکرار منظم مهره ها و نظم هندسی آن بیانگر تعادل کیهانی و هماهنگی میان انسان و جهان است. پنل های مثلثی شکل دو طرف گردنبند شبیه به گلبرگ باز شده نیلوفرآبی می‌باشد؛ نیلوفرآبی مرتبط با ایزد نمرتوم و نماد آغاز آفرینش، پالایش و پاکی و پیوند با خدایان خورشید مانند رع است. در مجموع این گردنبند حیات، بازآفرینی مداوم و حفاظت طبیعی و الهی از انسان است، زیوری که زندگی را به عنوان نیرویی همواره در حال رشد و تجدید نشان می‌دهد.

(جدول شماره ۴) (مفاهیم) (نگارندگان، ۱۴۰۴)

ردیف	نام گردنبند	مفاهیم	عکس
۱	وسخ شماره ۱	چرخه حیات، نظم کیهانی، تحت حفاظت قدرت الهی، نمادی از هماهنگی زمین و آسمان و انسان	
۲	وسخ شماره ۲	چرخه زندگی، حرکت بی پایان همتی، پرتو خورشید پیوند انسان با حیات، قدرت الهی و استمرار هستی	
۳	وسخ شماره ۳	چرخه و تداوم زندگی، قدرت و حفاظت الهی هماهنگی هستی و پیوند آسمان و زمین	
۴	وسخ شماره ۴	حرکت دائمی هستی و پرتو خورشید، تعادل کیهانی، حفاظت طبیعی و الهی و هماهنگی میان انسان و جهان	

باتوجه به آنچه در (جدول شماره ۴) ذکر شد؛ مفاهیمی چون چرخه حیات و زندگی، حرکت دائمی و بی پایان هستی، حفاظت

الهی مفاهیم پرتکرار در گردنبند های وسخ می باشد. هماهنگی زمین و آسمان و انسان، پیوند آسمان و زمین و پیوند انسان و جهان از دیگر مفاهیمی هستند که از گردنبند های وسخ دریافت می شود.

(جدول شماره ۵) (نسبت مفاهیم در وسخ ها) (نگارندگان، ۱۴۰۴)

تداوم هستی	حفاظت الهی	نظم و تعادل کیهانی	چرخه حیات و زندگی	نام گردنبند
-	+	+	+	وسخ شماره ۱
+	+	-	+	وسخ شماره ۲
-	+	-	+	وسخ شماره ۳
+	+	+	-	وسخ شماره ۴

با توجه به آنچه در (جدول شماره ۵) ذکر شد؛ حفاظت الهی مفهومی است که در همه گردنبند ها وجود دارد و همانطور که در بخش های پیشین اشاره شد وسخ ها فقط جنبه زیبایی و تزئینی ندارد و نقش آئینی و محافظتی را ایفا می کند. چرخه حیات و زندگی مفهوم پرتکرار دیگری است که از این گردنبند ها برداشت می شود. نظم و تعادل کیهانی و تداوم هستی دو مفهوم دیگری هستند که از ساختار منظم و یکدست این گردنبند ها استنباط می شود.

۹. نتیجه گیری:

یکی از کهن ترین تمدن های باستانی که ابعاد زندگی با دین و اساطیر آن درآمیخته شده، تمدن مصر است. مصریان پوشش خاص خود را دارند که زیورآلاتی نیز با آن همراه می باشد. بقیه پهن یا وسخ یکی از پررنگ ترین جواهرات مصری بود که خدایان از آن استفاده می کردند و با اساطیر و تمدن مصر آمیخته شده است. ابتدا جواهرات ساده و تقریباً خام و عمدتاً از صدف های کوچکی که به شکل مهره سوراخ شده اند؛ و به مراتب از سنگ های قیمتی و نیمه قیمتی ساخته شده است. در میان زیورآلات، گردنبند های وسخ در شکل و ساختار های متفاوت و با نقوش حیوانی و گیاهی گوناگون دیده می شود که پژوهش پیش رو به چهار نمونه از آن پرداخته است. در تحلیل نمونه های مودبردی، فرم نیم دایره و طوق مانند وسخ ها به عنوان نمادی از خورشید چرخه حیات و نظم کیهانی تفسیر شد. وجود نقوش حیوانی همچون سرشاهین، به طور مستقیم به ایزدان مهمی چون رع، حوروس و خنس اشاره دارد که نقش محافظ، نگهبان قدرت سلطنتی و برقرار کننده تعادل کیهانی را ایفا می کردند. همچنین استفاده از نیلوفر آبی در برخی وسخ ها، پیوند این زیور را با مفاهیم آفرینش، پاکی و تولد دوباره و ایزد نفرتوم آشکار می سازد. رنگ های بکار رفته همچون طلایی، آبی، سبز و قرمز نیز هر یک مفاهیم مشخصی نظیر الوهیت، حیات، باروری و قدرت را منتقل می کند. تکرار منظم ردیف های مهره ای و نظم هنری آن ها، بازتابی از هماهنگی میان انسان، طبیعت و نیروی ماورایی است. با توجه به آنچه ذکر شد چنین نتیجه گیری می شود که گردنبند وسخ در مصر باستان صرفاً یک زیور تزئینی نبوده است؛ بلکه ابزاری نمادین برای نمایش باورهای اسطوره ای، دینی، کیهانی مصریان به شمار می رفته است. براین اساس درباریان از وسخ به این دلیل بهره می بردند که خدایان، حافظ حیات، قدرت الهی و جاودانگی آن ها هستند.

اعلام عدم تعارض منافع: نویسنده/نویسندگان اعلام می دارند که در انجام این پژوهش هیچ گونه تعارض منافعی برای ایشان وجود نداشته است.

۱۰. منابع و ماخذ:

- ایونس، ورونیکا. (۱۳۷۵). اساطیر مصر. مترجم باجلان فرخی. تهران: اساطیر
- غفوری، فاطمه. (۱۴۰۲). تحلیلی بر مفاهیم نمادین رنگ‌ها و اشکال ایزدان رع و حوروس در آثار هنری مصر تا کاهاتنا. دانشگاه الزهرا تهران. شماره دهم. دو فصلنامه. صص ۱۴۷-۱۳۵
- فروغی، مه‌دا و شهره جوادی. (۱۳۹۶). بررسی مفاهیم سمبلیک رنگ‌ها در هنر نقاشی مصر باستان و منشأ این مفاهیم در طبیعت پیرامون. باغ نظر. ۱۴. شماره پنجاه و سه. صص ۷۴-۶۵
- گشایش، فرهاد. (۱۴۰۱). تاریخ هنر ایران و جهان. تهران: مارلیک
- مبلغی آبادانی، عبدالله. (۱۳۷۶). تاریخ ادیان و مذاهب جهان. ج ۱. قم: منطق

۱۴. References and Sources:

- Bina. (1940). Ancient Egyptian Jewelry. New York. The Metropolitan Museum.
- Mekwi ouda, ahmed. (2022). Remarks on the name of the wesekh _ collar in the old kingdom. Shedet. 9. P.P 75 – 96
- URL
- url1: www.rasekhon.net راسخون
- url2: en.wikipedia.org ویکی پدیا
- url3: en.wikipedia.org ویکی پدیا
- url4: en.wikipedia.org ویکی پدیا
- url5: en.wikipedia.org ویکی پدیا
- url6: Egypt-museum.com موزه مصر
- url7: en.wikipedia.org ویکی پدیا
- url8: Egypt-museum.com موزه مصر
- url9: Collections.rom.on.ca مجموعه های موزه سلطنتی انتاریو

نحوه ارجاع به این مقاله:

مجتهدی‌فر، مهدیه؛ رضانی، سپیده؛ کبریایی، مهتاب وزمانی، نفیسه (۱۴۰۵). مطالعه نقوش حیوانی برگردنبند «وسخ» مصریان باستان از منظر اسطوره‌شناختی. فصلنامه علمی مطالعات هنر و زیبایی‌شناسی، سال ششم، شماره ۱۹ (بهار ۱۴۰۵)، صص ۷۸-۹۳.

©Authors, Published by **Art and Aesthetics Studies Quarterly**. This is an open-access paper distributed under the CC BY (license: <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

